

## حَجَب و احكام آن

---

علیرضا گنجانی\*



---

\* سردفتر اسناد رسمی ۷۲۱ تهران و عضو هیأت تحریریه مجله کانون.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## حَجَب و احکام آن

### اشاره

ارث و مباحث مربوط به آن، به واسطه کاربرد اجتماعی، در میان مباحث حقوقی از چنان اهمیتی برخوردار است که قانونگذار، باب دوم از قسمت چهارم جلد اول قانون مدنی (مواد ۸۶۱ تا ۹۵۵) را به این موضوع اختصاص داده است. باب ارث، خود از قسمتهای مختلف و بخشهای گوناگونی تشکیل شده است که از جمله آن می‌توان به «موجبات ارث، طبقات وارث، حجب، عول و تعصیب، صاحبان فرض و...» اشاره کرد. در این مقاله به بحث پیرامون «حجب» پرداخته‌ایم، به امید آن که به دلیل اهمیت موضوع ارث و همچنین ارتباط موضوعی آن با کار دفاتر اسناد رسمی بتوانیم به تدریج به دیگر موضوعات این مقوله بپردازیم.

### حجب و تعریف آن

حجب، به فتح «حاء» در لغت به معنای «منع» است. اگر چه نباید آن را با مفهوم حقوقی «مانع» که در قانون مدنی یافت می‌شود، یکی دانست. بنا به گفته مصنف «شرایع»، «منع» حالت کسی است که سبب ارث بردن برای او نباشد و این مانع از جانب خودش باشد، در حالی که حجب، منع کسی است که برای او سبب محقق است، ولی به دلیل بودن وارثی دیگر ارث نمی‌برد. قانون مدنی در ماده ۸۸۶، در تعریف حجب می‌گوید:

«حجب حالت وارثی است که به واسطه بودن وارث دیگر، از ارث بردن، کلاً یا جزئاً محروم می‌شود».

چنان که می‌دانیم، قانون مدنی، خویشاوندی را سبب ارث شناخته است، از این رو، اموال متوفی پس از برداشت تمام هزینه‌ها و پرداخت دیون و آنچه وصیت کرده است، میان خویشان متوفی تقسیم می‌شود. ولی تمام خویشاوندان از یکدیگر ارث نمی‌برند، بلکه مقرراتی برای تقسیم ارث میان آنان جاری است که حجب، یکی از این مقررات است.

### اقسام حجب

به موجب ماده ۸۸۷ قانون مدنی، حجب بر دو قسم است: «قسم اول آن است که وارث از اصل ارث محروم می‌گردد؛ مثل برادرزاده که به واسطه بودن برادر یا خواهر متوفی از ارث محروم می‌شود یا برادر ابی که با بودن ابوینی، از ارث محروم می‌شود. قسم دوم آن است که فرض وارث از حد اعلی به حد ادنی نازل می‌گردد؛ مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع در صورتی که برای زوجه اولاد باشد و همچنین تنزل حصه زن از ربع به ثمن، در صورتی که برای زوج اولاد باشد». حقوقدانان از این دو قسم حجب، تعبیر به حجب حرمان و حجب نقصان کرده‌اند.

### ۱ - حجب حرمان

منظور از «حجب حرمان»، آن است که هیچ میزانی از ارث به فرد تعلق نمی‌گیرد؛ خواه فرد مذکور «فرض بر» باشد یا نباشد. حجب حرمان همان موردی است که در قانون از آن تعبیر به «محرومیت از اصل ارث» شده است. حجب از اصل ارث در موردی است که متوفی دارای خویشان متعددی است که بعضی به اعتبار آن که به متوفی نزدیک‌ترند، ارث برده و حاجب دیگران می‌شوند. باید اضافه کرد که منظور از «اصل ارث» تمام ارث است و نه آنکه از اعیان ترکه ارث نبرده و از قیمت آنها ارث ببرد. ضابطه «حجب حرمان» در ماده ۸۸۸ قانون مدنی آمده است. مطابق این ماده: «ضابطه حجب از اصل ارث،

رعایت اقریبیت میت است. بنابراین هر طبقه از وراثت، طبقه بعد را از ارث محروم می‌نماید، مگر در مورد ماده ۹۲۶ قانون مدنی و موردی که وارث دورتر بتواند به سمت قائم مقامی ارث ببرد که در این صورت هر دو ارث می‌برند. همان طوری که از این ماده مشخص است دلیل اعمال این ضابطه قاعده «الاقرب یمنع الابد» است که این قاعده، خود از آیه شریفه «اولوالارحام بعضهم اولی ببعض» گرفته شده است.

شایان ذکر است که مطابق قانون مدنی، وراثت نسبی به سه طبقه تقسیم شده‌اند که هر طبقه نزدیک‌تر به متوفی، طبقه بعدی را از ارث بردن محروم می‌سازد که تفصیل این بحث را ان شاء الله در فرصتی دیگر بیان خواهیم کرد.

## ۲ - حجب نقصان

حجب از بعضی ترکه که در اصطلاح آن را «حجب نقصان» گویند در مواردی پیش می‌آید که وارثی که می‌توانست نصیب بیشتری از ارث ببرد، به واسطه وجود دیگری، سهم کمتری می‌برد. برای حجب نقصان تعاریف گوناگونی به شرح زیر ارائه شده است:

۱-۲ - حجب نقصان آن است که فرض وارث از حد اعلا به حد ادنی نازل گردد. این تعریف در ماده ۸۸۷ قانون مدنی لحاظ شده است. این ماده می‌گوید: «حجب بر دو قسم است... قسم دوم آن است که فرض وارث از حد اعلی به حد ادنی نازل می‌گردد؛ مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع در صورتی که برای زوجه اولاد باشد و همچنین تنزل حصه زن از ربع به ثمن در صورتی که برای زوج اولاد باشد». بنابراین آیات قرآن، برای بعضی از ورثه، دو فرض (فرض المسمی) تعیین شده است، یکی کمتر و دیگری بیشتر. زوج و زوجه و مادر شامل این حکم می‌شوند. تعریف قانون مدنی از حجب نقصان در واقع فقط شامل همین سه نفر می‌شود که البته این مورد مناقشه است. زیرا ممکن است وارثی فقط یک فرض داشته باشد معذالک دچار حجب حرمان شود. در این صورت از فرضی که دارد کمتر می‌برد، لکن از فرض اعلی به فرض ادنی سقوط نمی‌کند، زیرا او فقط یک فرض دارد.<sup>۱</sup>

۱. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، وصیت و ارث.

۲-۲- حجب نقصان، حجب از بعض فرض است، خواه این فرض، فرض اعلا باشد یا نباشد. چون ماده ۸۹۲ قانون مدنی این تعریف را به کار می‌برد از اشکال سابق بر آن وارد نمی‌شود، اما این سوال مطرح می‌شود که چرا در تعریف برای حجب نقصان آورده شده است؟ برای مثال در موارد عول در مواد ۹۱۴ و ۹۲۷ و ۹۳۸ قانون مدنی که از فرضهای برخی از ورثه کسر می‌شود، دو فرض وجود ندارد ولی از فرض المسمای صاحب فرض کاسته شده است؛ مثلاً اگر ورثه میت، دو دختر و پدر و شوهر میت باشند پدر یک سدس و زوج یک ربع می‌برد. فرض دو دختر هم دو ثلث است. مجموع فرض همه ورثه  $(\frac{13}{12})$  می‌شود.  $(\frac{8}{12})$  سهم دختر،  $\frac{3}{12}$  سهم شوهر،  $\frac{2}{12}$  سهم پدر).  
 به دستور ماده ۹۱۴ قانون مدنی، پدر و شوهر فرض خود را بطور کامل می‌برند (که می‌شود  $(\frac{5}{12})$ ) و باقی مانده که  $\frac{7}{12}$  است به آن دو دختر می‌رسد در این حالت، دو دختر از قسمتی از فرض المسمای خود محروم شده‌اند. این مثال حجب از بعض فرض را نشان می‌دهد اما این حجب، تنزل از حد اعلیٰ به حد ادنی نیست. لذا تعریف اول شامل این مثال نمی‌شود در حالی که تعریف دوم این مورد را نیز در برمی‌گیرد. پس این تعریف کامل تر است.<sup>۱</sup>

۲-۳- سومین تعریف حجب نقصان، حجب از بعض سهم الارث است. هرگاه ورثه پدر و اولاد میت باشند، پدر از بالاترین سهم الارثی که می‌توانست ببرد به فرض سدس تنزل می‌کند (ماده ۹۰۴ قانون مدنی) طبق ضابطه مذکور در ماده ۸۸۶ قانون مدنی، این حجب، حجب نقصان است ولیکن اولاً، تنزل از فرض اعلیٰ به فرض ادنی در آن دیده نمی‌شود؛ زیرا پدر فقط یک فرض المسمی دارد که آن سدس است. پس تعریف حجب نقصان مذکور در ماده ۸۸۷ قانون مدنی بر این مورد صدق نمی‌کند. ثانیاً، این مورد شامل تعریف مورد دوم حجب نقصان هم نیست؛ زیرا در اینجا، حجب از بعض فرض دیده نمی‌شود. زیرا فرض المسمای پدر سدس است و آن را هم به او می‌دهند و کمتر از آن هم به او داده نمی‌شود. پس به نظر می‌رسد که تعریف سوم، کامل ترین تعریف برای حجب نقصان است که بر همه موارد منطبق است.<sup>۲</sup>

۱. همان منبع.

۲. همان منبع.

## موارد حجب نقصان

قانون مدنی در ماده ۸۹۲ موارد حجب نقصان را بیان کرده است. این ماده می‌گوید:  
«حجب از بعضی فرض در موارد ذیل است:

الف) وقتی که برای میت اولاد یا اولاد اولاد باشد. در اینصورت ابوین میت از بردن بیش از یک ثلث محروم می‌شوند، مگر در مورد مواد ۹۰۸ و ۹۰۹ که ممکن است هر یک از ابوین به عنوان قرابت یا رد، بیش از یک سدس ببرد و همچنین زوج از بردن بیش از یک ربع و زوجه از بردن بیش از یک ثمن محروم می‌شود. ب) وقتی که برای میت چند برادر یا خواهر باشد. در اینصورت مادر میت از بردن بیش از یک سدس محروم می‌شود. مشروط بر این که: اولاً: لا اقل دو برادر یا یک برادر با دو خواهر یا چهار خواهر باشند. ثانیاً: پدر آنان زنده باشد. ثالثاً: از ارث ممنوع نباشد مگر به سبب قتل. رابعاً: ابوین یا ابی تنها باشند».

۱- پدر و مادر، هرگاه متوفی اولاد و یا اولاد اولاد داشته باشد. در اینصورت اولاد، هر یک از پدر و مادر را از دریافت بیش از یک سدس محروم می‌سازد. در مورد اخیر دو استثنا وجود دارد؛ یعنی پدر و مادر در این دو مورد، با وجود آن که دچار حجب نقصان می‌شوند، اما از همهٔ مازاد بر سدس محروم نشده، علاوه بر سدس چیزی به آنان می‌رسد:

۱- ۱- اگر ورثه یک دختر و مادر و پدر باشند، در این حالت نصف ترکه به دختر تعلق می‌گیرد. هر کدام از پدر و مادر هم یک سدس نصیبشان می‌شود. در این حال جمع ارث همهٔ وراث پنج ششم ( $\frac{5}{6}$ ) ترکه می‌شود و یک سدس باقی می‌ماند. باقیماندهٔ ترکه میان وراث به نسبت فرضهایشان تقسیم می‌شود. (مادهٔ ۹۰۸ قانون مدنی)

۱- ۲- اگر ورثه دو دختر و مادر یا پدر داشته باشند. در این وضعیت، دو سوم ترکه فرض دختران است و فرض مادر یا پدر یک سدس ترکه است. به این ترتیب یک سدس از ترکه باقی می‌ماند که میان همهٔ ورثه به نسبت فرضهایشان تقسیم می‌شود. (مادهٔ ۹۰۹ قانون مدنی) در اینجا به نظر می‌رسد قسمت پایانی مادهٔ ۹۰۹ قانون مدنی که اظهار می‌دارد «... مگر این که مادر حاجب داشته باشد. در این صورت مادر از باقی چیزی

نمی‌برد.» زاید است. چون در صورت زیاد آمدن ترکه از مجموع فرض مادر و دخترها، تصور حاجب برای مادر ممکن نیست. چراکه شرط حجب مادر، زنده بودن پدر میت است و در این مورد فرض شده که پدر میان وراثت نیست و اگر پدر زنده هم باشد، در آن صورت دیگر چیزی از ترکه باقی نمی‌ماند تا مجدداً میان آنان تقسیم شود.

**۲- هرگاه متوفی اولاد داشته باشد. هر یک از زوج و زوجه مطابق قانون مدنی**

دارای دو نصیب هستند: نصیب بالا و نصیب پایین.

**۲-۱- نصیب بالا:** به موجب مواد ۸۹۹ و ۹۰۰ قانون مدنی، در صورتی که زوج بمیرد

و از خود اولادی برجای نگذارد، زوجه او ربع ترکه را خواهد برد. همچنین هرگاه زوجه فوت کرده و از خود اولادی نداشته باشد، زوج نصف ترکه را می‌برد. نصف زوج و ربع زوجه، نصیب بالایی ارث تلقی می‌شود.

**۲-۲- نصیب پایین:** مطابق مواد ۹۰۰ و ۹۰۱ قانون مدنی، هرگاه زوج فوت نماید و

از او اولادی بماند، حتی اگر اولاد متوفی از زنی غیر از زن فعلی باشد، زوجه ثمن ترکه را خواهد برد. همچنین در صورتی که زوجه بمیرد و از خود اولاد باقی نگذارد، اگرچه اولاد موصوف از شوهر دیگر زن باشد، زوج ربع ترکه را دریافت خواهد کرد. ربع زوج و ثمن زوجه، نصیب پایین ارث است. برخورداری زوج و زوجه از نصیب پایین برای زوج و زوجه، حجب نقصان به شمار می‌آیند. در این موارد، اولاد متوفی موجب شده‌اند که آنان از نصیب بالایی خود محروم شوند.

**۳- مادر، هرگاه متوفی برادر یا خواهر داشته باشد.**

هرگاه وراثت متوفی، منحصر به پدر و مادر باشد، با جمع شدن شرایط زیر سهم مادر

به سدس ترکه تنزل پیدا خواهد کرد:

**۳-۱- متوفی لااقل دو برادر یا یک برادر و دو خواهر یا چهار خواهر داشته باشد.**

ولی چنانچه تعداد آنها کمتر از عدد مذکور باشد، حاجب مادر قرار نمی‌گیرد و مادر نصیب بالایی خود را که ثلث ترکه است، خواهد برد. مرحوم دکتر امامی در این رابطه می‌نویسد: «قول مشهور بر آن است که زمانی آنان می‌توانند حاجب قرار گیرند که در حین فوت مورث متولد شده باشند. و الا هرگاه یکی از آنان جنین باشد، اگرچه زنده متولد شود،



نمی‌تواند حاجب قرار گیرد زیرا اطلاق کلمه «اخوه» موجود در روایت شامل حمل نمی‌گردد. از نظر قضایی به نظر می‌رسد همچنانکه حمل می‌تواند ارث ببرد، می‌تواند حاجب هم قرار گیرد و عبارت ماده شامل آن می‌شود.<sup>۱</sup> چنانکه از ظاهر ماده ۸۹۲ برمی‌آید، حیات برادر و خواهر، در حین فوت مورث باید محقق و ثابت باشد. بنابراین چنانچه تأخر و تقدم آن مشتبه باشد و یا اقتران فوت آن دو مسلم باشد، آنان نمی‌توانند حاجب مادر قرار گیرند، اگر چه فوت در اثر هدم و غرق باشد، زیرا توارث آنان از یکدیگر استثنا از قاعده است و طبق ماده ۸۷۳ قانون مدنی از یکدیگر ارث می‌برند و این ملازمه با حاجب بودن آنان ندارد.<sup>۲</sup>

۳-۲- برادر و خواهر متوفی ابوینی یا ابی باشد. والّا برادر و خواهرایی حاجب مادر نمی‌شوند. فلسفه‌ای که برای آن بیان شده، این است که در این حالت، به جای سدس، ثلث به پدر داده شود تا اداره امور برادر و یا خواهر ابوینی یا ابی را بتواند عهده‌دار شود و یا برای آن که در آینده اموال به آنان به ارث برسد.

۳-۳- پدر آنها زنده باشد. در این صورت سدس به مادر داده می‌شود و بقیه ترکه به پدر می‌رسد و الا هرگاه پدر فوت کرده باشد تمامی ترکه به مادر می‌رسد. همچنین پدر باید از ارث در اثر وجود یکی از موانع محروم نشده باشد، زیرا پدر در صورت ممنوع بودن از ارث در حکم محروم است و تمامی ترکه به مادر خواهد رسید.

۳-۴- از ارث محروم نباشد مگر به سبب قتل. یعنی برادر و خواهر میت در صورتی می‌توانند حاجب قرار گیرند که خود ممنوع از ارث نباشند، مگر به سبب قتل. چنانکه می‌دانیم، برابر مقررات قانون مدنی موانع ارث عبارتند از قتل، لعان، ولادت از زنا و کفر. برابر ماده ۸۹۲ قانون مدنی در صورتی که یکی از موانع ارث بجز قتل، در برادر و خواهر متوفی موجود باشد، آنها نمی‌توانند حاجب مادر قرار گیرند. یعنی همان طور که وجود این امور در وراثت مانع از بردن ارث است، مانع از حاجب شدن نیز خواهد بود. مانع نبودن قتل از حجب و استثنای آن، برگرفته از قول مشهور فقها است. قول غیر مشهوری نیز در فقه وجود دارد که قتل را مانند سایر موانع ارث، مانع از حاجب شدن می‌داند. دلیلی که برای

۱. دکتر سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۳. ۲. همان منبع.

حاجب شدن قاتل بیان می‌کنند آن است که اگر برای میت اخوه متعدد بوده و پدر آنها هم زنده باشد، مخارج اخوه بر عهده پدر آنهاست و از این رو پدر باید سهم بیشتری از ترکه نسبت به مادر داشته باشد. و چون این دلیل در مورد قتل هم موجود است، بنابراین قتل مانع از حجب مادر نخواهد شد. در حالیکه در سایر موارد چون مخارج اخوه بر عهده پدر نیست، پس دلیلی هم برای این که پدر سهم بیشتری از مادر ببرد وجود ندارد. درباره حاجب بودن باید گفت که اخوه‌ای که با بودن شرایط حاجب مادر می‌شود، خود هیچ سهمی از ترکه را تصاحب نخواهد کرد، چون با حضور پدر و مادر که جزو وراث طبقه اول هستند، ارث بردن اخوه که جزو وراث طبقه دوم است، مقدور نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی